

مقایسه اثر رعایت اصل تطابق بر کیفیت گزارشگری مالی در بین شرکت های سالم، درمانده و ورشکسته مالی

یونس بادآور نهندی *

غفور شریف زاد **

هیوا خجسته ***

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۲/۲۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۰/۱۳

چکیده:

این پژوهش به مقایسه اثر رعایت اصل تطابق بر کیفیت گزارشگری مالی در بین شرکت های سالم، درمانده و ورشکسته مالی می پردازد. نمونه آماری این پژوهش را ۱۸۹ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران برای دوره زمانی ۱۳۸۸-۱۳۹۲ تشکیل می دهند. متغیر رعایت اصل تطابق با استفاده از همبستگی درآمد و هزینه شرکت ها در یک دوره زمانی ۱۳ ساله (۱۳۸۰-۱۳۹۲) مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین برای اندازه گیری کیفیت گزارشگری مالی از دو معیار دقت اطلاعات مالی در پیش بینی جریان های نقدی آینده و محتوای اطلاعاتی عایدات حسابداری استفاده شده است. نتیجه پژوهش حاکی از وجود ارتباط معنادار و مستقیم بین متغیر

* دانشیار حسابداری، گروه حسابداری، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران (نویسنده مسئول)
Email: Y-bnahandi@gmail.com

** کارشناس ارشد حسابداری، گروه حسابداری، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران
Email: g.sharif@gmail.com

*** مربی حسابداری، گروه حسابداری، واحد ارومیه (مرکز پیرانشهر)، دانشگاه آزاد اسلامی، پیرانشهر، ایران
Email: hivakhojaste@gmail.com

رعایت اصل تطابق با متغیر دقت اطلاعات حسابداری در پیش‌بینی جریان‌های نقد آینده و همچنین ارتباط معنادار و معکوس با متغیر محتوای عایدات حسابداری به صورت کلی است. با تقسیم شرکت‌ها به گروه‌های سالم، درمانده و ورشکسته مالی و مقایسه اثر رعایت اصل تطابق بر کیفیت گزارشگری مالی در این سه گروه مشخص گردید که بین میزان اثر رعایت اصل تطابق بر کیفیت گزارشگری مالی در کل تفاوت وجود دارد.

واژه‌های کلیدی: تطابق هزینه و درآمد، کیفیت گزارشگری مالی، سلامت مالی، درماندگی

مالی، ورشکستگی مالی.

۱- مقدمه

صورت‌های مالی و اطلاعات مندرج در آن، یکی از مهم‌ترین منابع اطلاعاتی است که می‌تواند به سرمایه‌گذاران در اتخاذ تصمیمات سودمند اقتصادی یاری رساند. اطلاعات صورت‌های مالی زمانی سودمند تلقی می‌شوند که انتظارات سرمایه‌گذاران را در ارتباط با ارزش سهام تأیید کنند و یا آن‌ها را تغییر دهند (لورنیک^۱، ۲۰۰۰). با این حال بسیاری از پژوهشگران استدلال نموده‌اند که صورت‌های مالی تاریخی و به‌ویژه صورت سود و زیان، اطلاعات سودمندی در مورد تطابق درآمدها و هزینه‌ها و سود برای سرمایه‌گذاران فراهم می‌سازد (لووزاروین^۲، ۱۹۹۹). تطابق به این مفهوم اشاره دارد که هزینه‌ها در ارتباط خود با درآمدها بر اساس یک مبنای منصفانه و متوازن شناسایی می‌شوند. در سیستم فعلی که غالباً بر مبنای بهایابی تاریخی قرار دارد، تطابق نشان‌دهنده اولویت اندازه‌گیری و گزارشگری سود نسبت به ارزشیابی داریی‌ها و بدهی‌ها است و نیز یکی از اهداف مهم به‌کارگیری اصل تطابق، شناسایی صریح سود و اندازه‌گیری واقعیت‌های اقتصادی است (کریمی و قربان‌زاده، ۱۳۹۲).

از اهم دلایل و انگیزه پژوهش در خصوص اصل تطابق می‌توان به موارد زیر اشاره نمود. الف- وجود تغییراتی در اقتصاد به‌ویژه در هزینه‌های ثابت و تحقیق و توسعه، بر کاهش موقتی در بکارگیری اصل تطابق اشاره دارد که این امر به‌طور متقابل بر سود اثر می‌گذارد (دیچو و تانک^۳، ۲۰۰۸). ب- کم رنگ شدن بکارگیری اصل تطابق به دلیل فاصله گرفتن استانداردهای حسابداری از این اصل به عنوان یک مفهوم بنیادی و حرکت به سمت رویکرد ترازنامه‌ای.

1 Lubberink

2 Lev & Zarowin

3 Dichev & Tang

ج- سود مهمترین خروجی حسابداری است و تطابق هزینه‌ها و درآمدها اثر مهم بر تعیین و محاسبه آن دارد و نیز اصل تطابق به طور بالقوه باعث افزایش درک خصوصیات سود برای سرمایه‌گذاران می‌شود (دیچو و تانگ، ۲۰۰۸).

از طرفی، نقش اصلی گزارشگری مالی انتقال اثربخش اطلاعات مالی به افراد برون‌سازمانی به روشی معتبر و به‌موقع است که یکی از اهداف عمده آن فراهم ساختن اطلاعات لازم برای ارزیابی عملکرد و توان سودآوری بنگاه اقتصادی است. شرط لازم برای دستیابی به این هدف، ارائه اطلاعات مالی به نحوی است که ارزیابی عملکرد گذشته را ممکن سازد و در سنجش توان سودآوری و پیش‌بینی فعالیت‌های آتی بنگاه اقتصادی مؤثر واقع گردد (برادران حسن‌زاده و بادآورنهندي، ۱۳۸۸). در این میان وضعیت مالی شرکت‌ها، از جمله درماندگی مالی شرکت‌های بزرگ و بین‌المللی از یک طرف و افزایش شمار تقلب در گزارشگری مالی از طرف دیگر، موجب بروز نگرانی‌های درباره کیفیت گزارشگری مالی و خدشه‌دار شدن اعتبار حسابداری شده است. حرفه حسابداری و حسابرسی نیز در راستای چاره‌جویی و جلب اعتماد عمومی، به تدبیر راهکارهای همچون تغییر در رویکرد تدوین استانداردهای حسابداری از استانداردهای مبتنی بر قواعد به استانداردهای مبتنی بر اصول، تأکید بر استقلال حساب‌رسان و نظام راهبری نهادی برای حمایت از منافع سهامداران جزء و تنظیم مقررات انتظامی حرفه حسابداری پرداخته است. اما باوجود سازوکارهای نظارتی یکسان بر گزارشگری مالی شرکت‌ها، به نظر می‌رسد که شرکت‌ها از کیفیت گزارشگری مالی یکسانی برخوردار نیستند و این امر بیانگر آن است که احتمالاً عوامل متعدد دیگری باعث تفاوت در کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌ها می‌شود (نیکو مرام و بادآور نهندي، ۱۳۸۸).

با توجه به هدف اصلی گزارشگری مالی یعنی سودمندی اطلاعات در پیش‌بینی سود، سؤالی که مطرح می‌شود این است که آیا اعمال درجات متفاوتی از اصل تطابق درآمدها و هزینه‌ها می‌تواند بر کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌ها با توجه به وضعیت مالی آنان مؤثر باشد.

اگرچه پژوهش‌های اندکی در زمینه رعایت اصل تطابق صورت گرفته است، ولی تاکنون پژوهشی در زمینه بررسی اثر رعایت اصل تطابق بر کیفیت گزارشگری مالی صورت نگرفته است، لذا هدف اصلی این پژوهش، بررسی اثر رعایت اصل تطابق بر کیفیت گزارشگری مالی در بین شرکت‌های سالم، درمانده و ورشکسته مالی است.

در ادامه این مقاله، به ترتیب مبانی نظری و پیشینه پژوهش، روش‌شناسی پژوهش، نتایج آزمون فرضیه‌ها، تجزیه و تحلیل داده‌ها و نتیجه‌گیری تشریح می‌شود.

۲- مبانی نظری پژوهش

هسته اصلی اطلاعات مالی شرکت را صورت‌های مالی تشکیل می‌دهند. در بین اطلاعات مندرج در صورت‌های مالی، رقم سود خالص برای سرمایه‌گذاران بسیار حائز اهمیت بوده و اغلب این‌چنین استدلال می‌شود که سود بااهمیت‌ترین معیار اندازه‌گیری عملکرد شرکت است که در بازارهای مالی در دسترس و به‌وسیله اصل تطابق تحت تأثیر قرار گرفته است. این اصل یک مفهوم مهم در چارچوب نظری هیئت استانداردهای حسابداری مالی امریکا^۱، استانداردهای گزارشگری مالی بین‌الملل^۲ و استانداردهای حسابداری ایران است و بر معیار عملکرد که سرمایه‌گذاران برای پیش‌بینی‌های خود در مورد حاشیه رشد آتی، جریان‌های نقد آتی و سود بکار می‌گیرند، اثرگذار است. تطابق به دو صورت قوی یا ضعیف صورت می‌گیرد که تطابق قوی باعث افزایش سودآوری اقتصادی و تطابق ضعیف باعث کاهش سودآوری اقتصادی و نیز افزایش عدم اطمینان و سوگیری‌های رفتاری شده و در نتیجه باعث ایجاد اشتباهاتی در پیش‌بینی سرمایه‌گذاران خواهد شد (شات^۳، ۲۰۱۱).

تطابق قوی حالتی است که همه هزینه‌ها با درآمدهای مرتبط با آن‌ها تطابق داده می‌شوند. به عبارتی در این حالت، همه هزینه‌ها به طور مستقیم قابل ردیابی با درآمدهای خاص خود می‌باشند، ولی در تطابق ضعیف، همبستگی بین درآمدها و هزینه کاهش یافته و این امر باعث افزایش نوسان سود و بازده و کاهش پایداری سود می‌شود (دیچو و تانگ، ۲۰۰۸).

دیچو و تانگ (۲۰۰۸) بیان کردند که تطابق ضعیف می‌تواند ناشی از ضعیف بودن قابلیت پیش‌بینی هزینه‌ها و نیز در دسترس نبودن سایر اطلاعات از قبیل تصمیمات مدیریت (مانند تئوری شست‌وشوی بزرگ)، قوانین حسابداری (هزینه کردن هزینه‌های تحقیق و توسعه) و موارد دیگر باشد. بنابراین توجه به اصل تطابق، فراهم‌کننده نشانه‌هایی ارزشمند برای سود حسابداری است. همچنین تطابق تحت تأثیر مفاهیم بنیادی تجاری و سیستم حسابداری قرار می‌گیرد که این مفاهیم بنیادی باعث ایجاد مسائلی در سیستم حسابداری برای تطابق هزینه‌ها با درآمدها می‌شود. این مفاهیم عبارت‌اند از: طول چرخه عملیات، چرخه عمر شرکت، ساختار صنعت، توان سرمایه‌گذاری، هزینه‌های ثابت و غیره. به منظور ایجاد تطابق قوی، باید هزینه‌ها با درآمدهای مربوط همبستگی بالایی داشته باشند تا توان سرمایه‌گذاران را برای پیش‌بینی بهتر هزینه‌های مورد انتظار و نیز پیش‌بینی سود آتی افزایش دهد (دیچو و تانگ، ۲۰۰۸). از دلایل

1 Financial Accounting Standard Board

2 International Accounting Standard Board

3 Schutt

بررسی اصل تطابق و کیفیت گزارشگری مالی، اهمیت دادن به هزینه‌ها و درآمدها و روابط بین آن‌ها برای استفاده‌کنندگان و سرمایه‌گذاران است.

پیتون و لی‌تلتون^۱ (۱۹۴۰) بر اصل تطابق به عنوان یک مسئله بنیادی اشاره کردند اما با این حال در طی چند سال اخیر مطالعات اندکی بر روی آن صورت گرفته است. یکی از دلایل این امر، وجود پارادایم غالب بازارکاراً است که بیان می‌کند بازار خود به طور کامل میثاق‌های حسابداری و پیچیدگی‌های اندازه‌گیری عملکرد شرکت را می‌بیند که این امر سازگار با تحلیل بنیادی است. اسکات^۲ (۲۰۰۹) این‌گونه بیان می‌کند که اصل تطابق به‌طور کلی با حسابداری بهای تاریخی مرتبط است، به این دلیل که حاصل انطباق درآمدهای محقق شده با هزینه مربوط به همان درآمدها سود خالص است، به عبارتی با بکارگیری اصل تطابق، حسابداری مبتنی بر بهای تاریخی بهتر می‌تواند سودآوری شرکت را پیش‌بینی نماید. همچنین ایشان اظهار نمودند که در حسابداری مبتنی بر ارزش‌های جاری به دلیل اینکه سود خالص از تغییرات ارزش‌های جاری دارایی‌ها و بدهی‌ها در طول دوره حاصل می‌شود تطابق ضعیف است. به بیان اسکات (۲۰۰۹) در حسابداری مربوط به جریان نقد نیز به دلیل محاسبه سود از مابه‌التفاوت جریان‌های نقد خروجی و ورودی تطابق ضعیفی وجود دارد.

از طرفی کیفیت گزارشگری مالی به محدوده‌ای اشاره دارد که در آن، گزارش‌های مالی شرکت، وضعیت اقتصادی و عملکرد آن را در طی یک دوره زمانی اندازه‌گیری و به صورت صادقانه ارائه می‌کند. در ادبیات مربوط به کیفیت گزارشگری مالی به‌ویژه کیفیت سود با تأکید بر اصول حسابداری حاکم بر گزارشگری مالی، به‌طور ضمنی بر کیفیت صورت‌های مالی تمرکز شده است. علاوه بر این، رویکردهای متفاوت دیگری در خصوص ارزیابی کیفیت گزارشگری مالی وجود دارد که می‌توان آن‌ها را در دو گروه طبقه‌بندی نمود. گروه اول رویکرد مبتنی بر نیاز استفاده‌کنندگان است که بر مسائل مرتبط با ارزیابی و سودمندی اطلاعات مالی برای استفاده‌کنندگان تمرکز دارد. گروه دوم، رویکرد مبتنی بر حمایت از سرمایه‌گذار و سهامدار است که بر مسائل مرتبط با نحوه اداره شرکت و مباشرت تأکید دارد. در این گروه کیفیت گزارشگری مالی به طور عمده برحسب افشای کامل و منصفانه برای سهامداران تعریف می‌شود و عبارت است از اطلاعات مالی کامل و شفاف که مانع گمراهی یا ایجاد ابهام برای استفاده‌کنندگان شود (جونز و بلنچت^۳، ۲۰۰۰).

1 Paton & Littleton

2 Scott

3 Jonas & Blanchet

پژوهش‌های متعددی در خصوص اندازه‌گیری کیفیت گزارشگری مالی از قبیل (بارث^۱ و همکاران، ۲۰۰۱) انجام شده است که در آن دقت اطلاعات مالی به عنوان معیار اندازه‌گیری کیفیت گزارشگری مالی مورد استفاده قرار گرفته است. دقت اطلاعات مالی بیانگر توانایی اجزای سود تعهدی حسابداری (تحت شرایط انعطاف‌پذیری و اختیار عمل در انتخاب از میان رویه‌ها و برآوردهای حسابداری) برای پیش‌بینی جریان‌های نقدی مورد انتظار آینده است، بنابراین بالا بودن دقت و توان پیش‌بینی‌کنندگی اجزای تعهدی از شاخص‌های تعیین محتوای اطلاعاتی و کیفیت گزارشگری مالی است (کوهن^۲، ۲۰۰۴). همچنین محتوای اطلاعاتی عایدات حسابداری جهت بررسی کیفیت گزارشگری مالی مورد استفاده قرار می‌گیرد. اطلاعات حسابداری زمانی دارای محتوای اطلاعاتی است که استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی آن‌ها را در ارزیابی‌های خود مربوط و قابل اتکا تشخیص دهند. اطلاعات مربوط، یا دارای ارزش پیش‌بینی‌کنندگی و یا حائز ارزش تأییدکنندگی است. نقش‌های پیش‌بینی‌کنندگی و تأییدکنندگی اطلاعات به هم مربوط می‌باشند. به‌طور مثال، اطلاعات در مورد سطح و ساختار فعلی دارایی‌های واحد تجاری، برای استفاده‌کنندگانی که سعی دارند توان واحد تجاری را در استفاده از فرصت‌ها و واکنش به شرایط نامطلوب پیش‌بینی کنند، دارای ارزش است. همین اطلاعات دارای نقش تأییدکنندگی در مورد پیش‌بینی‌های گذشته مثلاً درباره ساختار واحد تجاری و ماحصل عملیات است (جونز و همکاران^۳، ۲۰۰۰).

یکی از روش‌هایی که می‌توان با استفاده از آن به بهره‌گیری مناسب از فرصت‌های سرمایه‌گذاری و تخصیص بهتر منابع کمک کرد، پیش‌بینی وضعیت مالی شرکت‌ها به لحاظ سلامت مالی، درماندگی مالی و ورشکستگی است. به این ترتیب که اول با ارائه هشدارهای لازم می‌توان شرکت‌ها را نسبت به وقوع درماندگی مالی هوشیار نمود تا آن‌ها با توجه به هشدارها دست به اقدامات مقتضی بزنند و دوم اینکه سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان، فرصت‌های مطلوب سرمایه‌گذاری را از فرصت‌های نامطلوب تشخیص دهند و منابعشان را در فرصت‌های مطلوب سرمایه‌گذاری کنند (مهرانی و همکاران، ۱۳۸۴). بیشتر مطالعات پیشین نشان می‌دهند که مدیران شرکت‌های درمانده، اطلاعات مالی و حتی فعالیت‌های واقعی خود را برای مخفی نمودن وضعیت نابسامان مالی، استفاده می‌کنند. طبق یافته‌های دی فوند و جیامبالو^۴ (۱۹۹۴)، شرکت‌هایی که به‌طور ناگهانی دچار بحران مالی می‌شوند، در سال‌های قبل از بحران دست به

1 Barth

2 Cohen

3 Jonas et al

4 DeFond & Jiambalvo

گزینه‌های مختلف حسابداری برای افزایش سطح درآمدهای خود زده‌اند. همچنین لارا و همکاران^۱ (۲۰۰۹) بیان نمودند که مدیران در سال‌های قبل از ورشکستگی، مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی اختیاری و دست‌کاری فعالیت‌های واقعی انجام می‌دهند. آن‌ها نشان دادند که شرکت‌های در مانده مالی نسبت به شرکت‌های ورشکسته، بیشتر بر مدیریت سود در چارچوب اصول حسابداری تأکید داشته‌اند.

لذا، از منظر کلی با توجه به اهمیت کیفیت گزارشگری مالی در وضعیت‌های متفاوت اقتصادی شرکت‌ها به لحاظ سلامت مالی، درماندگی مالی و ورشکستگی مالی و به تبع آن سیاست‌های مدیریتی متناسب و احتمال گزینه‌های مختلف حسابداری و دست‌کاری سود در چارچوب اصول حسابداری (اصل تطابق)، انجام پژوهش در این خصوص حائز اهمیت است.

۳- مروری بر پژوهش‌های پیشین

۳-۱- پیشینه خارجی

تا کر^۲ (۲۰۱۵) در پژوهش خود با عنوان بررسی رابطه بین کیفیت افشاء و کیفیت گزارشگری مالی بر اساس تحقیق کاسل، مریس و سیدل (۲۰۱۵) رابطه بین کیفیت افشاء و گزارشگری مالی را به صورت جزئی بررسی نمود. وی در تحقیق خود از داده‌های ۳۶۵ شرکت طی سالهای ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۳ استفاده نمودند. نتایج تحقیق نشان داد هنگامی که شفافیت افشاء ذخیره مطالبات مشکوک الوصول، ذخیره کاهش ارزش موجودی‌ها و ذخیره مالیات انتقالی تامین گردد، دستکاری سود از طریق اقلام تعهدی به حداقل می‌رسد.

شات (۲۰۱۱) در پژوهش خود با عنوان تأثیر رعایت اصل تطابق بر کیفیت سود در بین ۳۶۴۱ سال شرکت طی سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۹ درجه همبستگی بین درآمدها و هزینه‌ها را به عنوان معیار تطابق در نظر گرفت و بیان کرد که همبستگی قوی بین آن‌ها باعث افزایش کیفیت سود و سودمندی بیشتر آن برای سرمایه‌گذاران می‌شود.

دانلسون و همکاران^۳ (۲۰۱۱) سعی کردند پژوهش دیچو و تانگ (۲۰۰۸) را با جزئیات بیشتری ادامه دهند. آنها در مطالعه خود ۳۲۶۴۵ سال - شرکت (طی سال‌های ۱۹۶۷-۲۰۰۵) را مورد پژوهش قرار دادند. هدف مطالعه آنها این بود که تعیین نمایند که کدام یک از عوامل (حسابداری یا اقتصادی) تاثیر بیشتری بر اختلال رابطه درآمدها و هزینه‌ها می‌گذارد. لذا، ضمن آنالیز اجزای

1 Lara et al.

2 Tokur

3 Donelcon et al

هزینه ها به منظور تفکیک آثار هر کدام از عوامل، اقلام خاص را نیز مدنظر قرار دادند و به این نتیجه رسیدند که عوامل اقتصادی باعث به وجود آمدن اقلام خاص شده و نسبت به عوامل حسابداری تاثیر بیشتری بر اختلال رابطه درآمد و هزینه می گذارد.

راچانا و پاراکاش^۱ (۲۰۰۹) با بررسی ۲۸۶۵ سال - شرکت طی سال های ۱۹۸۸ تا ۲۰۰۷ بیان کردند که تطابق ضعیف دارای اثری نامناسب بر شفافیت صورتهای مالی و قابلیت سودآوری آتی داشته و کمک اندکی به سرمایه گذاران و تحلیل گران مالی در پیش بینی سود می کند و باعث قیمت گذاری اشتباه در اوراق بهادار می شود.

دیچو و تانگ (۲۰۰۸) با بررسی سود حسابداری ۱۰۰۰ شرکت بزرگ آمریکایی در ۴۰ سال اخیر به این نتیجه رسیدند که تطابق ضعیف (کاهش در تطابق میان درآمدها و هزینهها) باعث کاهش همبستگی بین درآمدها و هزینههای همزمان و نیز کاهش در پایداری سود و افزایش نوسان سود می شود. آنها بیان کردند که سود تابعی از فاکتورهای اقتصادی و درجه موفقیت در تطابق قوی بین درآمدها و هزینههاست.

۳-۲- پیشینه داخلی

خواجهی و همکاران (۱۳۹۴) با بررسی ۱۰۰ شرکت در بورس اوراق بهادار طی سال های ۱۳۸۹-۱۳۷۹ در پژوهش خود با عنوان: آزمون محدودیت های حاکم بر ویژگی های حسابداری به این نتیجه دست یافتند شرکت هایی که اطلاعات قابل اتکاتری ارائه می کنند، میزان مربوط بودن اطلاعاتشان بیشتر است. همچنین شرکت های که اطلاعات خود را به موقع تر منتشر می کنند، اطلاعاتشان مربوط تر است. از یافته های دیگر این پژوهش می توان به همبستگی مثبت بین ویژگی های قابلیت اتکا و به موقع بودن اشاره کرد. به بیان دیگر، شرکت های که اطلاعات به موقع تری ارائه می کنند، اطلاعاتشان قابل اتکاتر است و برعکس.

مشایخی و همکاران (۱۳۹۲) در مطالعه ای خود به بررسی عوامل مؤثر بر نوسان پذیری سود پرداختند. در این پژوهش برخی از پارامترهای حسابداری از قبیل شاخصه های مرتبط با تطابق ضعیف، کیفیت اقلام تعهدی و هموارسازی سود مورد بررسی قرار گرفت. این مطالعه با بهره گیری از داده های ۴۰۰ شرکت در بورس اوراق بهادار تهران در خلال سال های ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۰ صورت گرفته است. نتایج پژوهش نشان داد که عوامل حسابداری تأثیر با اهمیتی در بوجود آوردن نوسانات سود دارد.

کرمی و قربازاده (۱۳۹۱) به بررسی تأثیر اصل تطابق بر عدم تقارن اطلاعاتی پرداختند. بر این اساس، همبستگی بین درآمدها و هزینه‌ها به عنوان معیاری برای رعایت اصل تطابق در نظر گرفته شد است. در این پژوهش نمونه آماری ۷۸ شرکت از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران برای یک دوره ۵ ساله (۱۳۸۶-۱۳۹۰) انتخاب شده است. بر اساس نتایج هرچه تطابق بین درآمدها و هزینه‌ها بیشتر باشد، نوسان بازده و خطای پیش بینی سود هر سهم کمتر خواهد بود.

مشایخی و جلالی (۱۳۹۱) ارتباط میان رعایت اصل تطابق و ویژگی‌های سود را مورد بررسی قرار دادند. آن‌ها دریافتند که نوسانات سود طی دوره مورد بررسی تغییر معنی‌داری نداشته‌اند و با بررسی‌های به عمل آمده این نوسانات قابل انتساب به عوامل ذاتی (نوسانات درآمدی) هستند. مطالعه حاضر با بهره‌گیری از داده‌های ۳۱۳۶ سال- شرکت و در خلال سال‌های ۱۳۸۰-۱۳۸۹ صورت گرفته است.

کازلمی و طریقی (۱۳۹۰) اثر تطابق درآمدها و هزینه‌ها با نوسان‌پذیری سود و پایداری سود طی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۷ را مورد بررسی قرار دادند. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که تطابق ضعیف به عنوان اختلال در رابطه اقتصادی بین درآمد و هزینه عمل می‌کند و به تبع آن افزایش نوسان‌پذیری در سود و تضعیف پایداری سود را به همراه دارد و همواره با افزایش همبستگی درآمدها و هزینه‌ها (کاهش تطابق ضعیف)، نوسان‌پذیری سود را در طی سال‌های مورد مطالعه، روند کاهشی و پایداری سود روند افزایشی داشته است.

۴- فرضیه‌های پژوهش

با توجه به مبانی نظری مطرح شده در بخش‌های پیش فرضیه‌های پژوهش به شرح زیر تدوین شده است.

فرضیه اول: رعایت اصل تطابق بر دقت اطلاعات مالی در پیش‌بینی جریان‌های نقدی آینده تأثیر دارد.

فرضیه دوم: رعایت اصل تطابق بر محتوای اطلاعاتی عایدات حسابداری تأثیر دارد.

فرضیه سوم: بین تأثیر رعایت اصل تطابق بر دقت اطلاعات مالی در پیش‌بینی جریان‌های نقدی آینده در شرکت‌های سالم، درمانده و ورشکسته مالی تفاوت وجود دارد.

فرضیه چهارم: بین تأثیر رعایت اصل تطابق بر محتوای اطلاعاتی عایدات حسابداری در شرکت‌های سالم، درمانده و ورشکسته مالی تفاوت وجود دارد.

۵- روش پژوهش

۵-۱- نوع پژوهش

این پژوهش از نوع تجربی در حوزه تحقیقات اثباتی حسابداری و مبتنی بر اطلاعات واقعی در صورت‌های مالی شرکت‌ها می‌باشد، از طرفی این پژوهش از نوع علی پس رویدادی است چون اثر یک پدیده را بر پدیده دیگر بررسی می‌کند و از آنجایی که می‌تواند در فرآیند استفاده از اطلاعات کاربرد داشته‌باشد، لذا از نوع کاربردی است.

۵-۲- قلمرو پژوهش و جامعه و نمونه آماری

نمونه مورد بررسی به روش حذف سامان مند با در نظر گرفتن شرط‌هایی به شرح زیر برای بازه زمانی ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۲ از بین شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران انتخاب شده است.

الف- پایان سال مالی آن‌ها منتهی به ۲۹ اسفند ماه باشد.

ب- جزو شرکتهای واسطه‌گری مالی و سرمایه‌گذاری نباشند.

ج- اطلاعات مالی شرکت‌ها قابل دسترسی باشند.

د- در دوره زمانی پژوهش تغییر سال مالی نداشته باشد.

پس از اعمال محدودیت‌های فوق، نمونه نهایی پژوهش شامل ۱۸۹ شرکت طی دوره ۵ ساله با ۹۴۵ مشاهده تعیین شده است.

به منظور آزمون فرضیه اول (تأثیر رعایت اصل تطابق بر دقت اطلاعات) و فرضیه دوم (تأثیر رعایت اصل تطابق بر محتوای اطلاعاتی عایدات حسابداری) از مدل رگرسیونی چند متغیره و آزمون ضرایب t استفاده شده است و برای آزمون فرضیه سوم (مقایسه رعایت اصل تطابق بر دقت اطلاعات مالی در شرکتهای سالم، درمانده و ورشکسته مالی) و فرضیه چهارم (مقایسه رعایت اصل تطابق بر محتوای اطلاعاتی عایدات حسابداری در شرکتهای سالم، درمانده و ورشکسته مالی) از روش ارائه شده توسط پترنوستر و همکاران^۱ (۱۹۹۸) استفاده شده است، که بعدها آزمون پترنوستر نام گرفت. بدین ترتیب ضریب متغیر اصل تطابق در شرکتهای سالم، درمانده و ورشکسته دو به دو با هم مقایسه می‌شوند، اگر حتی در یکی از این مقایسه‌ها تفاوت معنی داری وجود داشته باشد فرضیه‌های مورد نظر تایید می‌شوند. در این آزمون اگر آماره آزمون پترنوستر بزرگتر یا مساوی ۱/۹۶ باشد می‌توان بیان نمود که وضعیت شرکت‌ها (از نظر سلامت، درماندگی و

1 Paternoster et al.

ورشکستگی) بر رابطه بین رعایت اصل تطابق و دقت اطلاعات مالی همچنین بر رابطه بین رعایت اصل تطابق و محتوای اطلاعاتی عایدات حسابداری تأثیر می‌گذارد.

۳-۵- تعریف عملیاتی متغیرهای پژوهش

۱-۳-۵- متغیر مستقل: رعایت اصل تطابق

معیاری که دیچو و تانگ (۲۰۰۸) و شات (۲۰۱۱) برای تعیین درجه تطابق استفاده کردند، همبستگی بین درآمدها و هزینه‌های شرکت‌ها برای یک بازه زمانی ۸ ساله بود که در این پژوهش نیز از این معیار استفاده شده‌است. برای اندازه‌گیری میزان همبستگی بین درآمدها و هزینه‌ها از رگرسیون زیر استفاده شده‌است:

مدل تطابق:

$$\Delta \text{Expense}_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 * \Delta \text{Revenue}_{it} + e_{it} \quad \text{مدل (۱)}$$

ضریب تعیین رابطه فوق، نشان دهنده میزان توضیح دهنده تغییرات هزینه‌ها به واسطه درآمدها است (که همان اصل تطابق مورد نظر در این پژوهش است) و برای تعیین میزان همبستگی بین درآمد و هزینه‌های هر سال شرکت، به هشت سال قبل برگشته و تغییرات درآمد و هزینه برای هر سال نسبت به هشت سال قبل محاسبه گردیده و سپس از ضریب تعیین تعدیل شده برای تعیین قدرت همبستگی بین تغییرات درآمدها و هزینه‌ها استفاده شده‌است.

Revenue = درآمد‌ها که به شرح زیر اندازه‌گیری می‌شود:

$$\text{Rev} = p * x$$

Expense = هزینه‌ها که به شرح زیر اندازه‌گیری می‌شود:

$$\text{Exp} = c * x + f$$

p بیانگر قیمت فروش، x بیافر حجم فروش، c نشان دهنده بهای تولید و f شامل هزینه‌های توزیع و فروش و هزینه‌های عمومی و اداری می‌باشد.

۲-۳-۵- متغیر وابسته: کیفیت گزارشگری مالی

برای اندازه‌گیری کیفیت گزارشگری مالی از دو معیار دقت اطلاعات مالی در پیش‌بینی جریان‌های نقدی آینده و محتوای اطلاعاتی عایدات حسابداری به شرح زیر استفاده شده‌است.

۱-۲-۳-۵- دقت اطلاعات مالی: برای اندازه‌گیری میزان دقت اطلاعات مالی به صورت تجربی، از پس مانده‌های معادله رگرسیون پیش‌بینی جریان‌های نقدی آینده با استفاده از اجزای تشکیل

دهنده سود عملیاتی حسابداری یک دوره قبل استفاده شده است (بارث و همکاران، ۲۰۰۱)

$$\text{CFO}_{i,t+1} = \beta_0 + \beta_1 \text{CFO}_{it} + \beta_2 \Delta \text{AR}_{it} + \beta_3 \Delta \text{INV}_{it} + \beta_4 \Delta \text{AP}_{it} + \beta_5 \text{DEPR}_{it} + \beta_6 \text{OTHER}_{it} + \varepsilon_{it} \quad \text{مدل (۲)}$$

CFO = جریان‌های نقدی

ΔAR = تغییر در حساب‌های دریافتی

ΔINV = تغییر در موجودی‌ها

ΔAP = تغییر در حساب‌های پرداختی و بدهی‌های معوق

DEPR = هزینه استهلاک دارائی‌های ثابت مشهود و نامشهود

OTHER = خالص سایر اقلام تعهدی که به صورت زیر محاسبه شد:

$$\text{OTHER}_{it} = \text{OP}_{it} - (\text{CFO}_{it} + \Delta \text{AR}_{it} + \Delta \text{INV}_{it} - \Delta \text{AP}_{it} - \text{DEPR}_{it})$$

OP = سود عملیاتی

ε = مقدار خطا که فرض شد دارای میانگین صفر و واریانس ثابت باشد.

معیار تجربی اندازه‌گیری کیفیت گزارشگری مالی، قدر مطلق پس‌ماندها یعنی $|\varepsilon_{i,t+1}|$ $\text{RQ}_{it} =$ هر قدر پس‌ماندها کوچکتر باشد بیان‌گر دقت اطلاعات مالی و کیفیت بالای گزارشگری مالی است.

۱-۲-۳-۵- محتوای اطلاعاتی عایدات حسابداری: محتوای اطلاعاتی عایدات حسابداری را توانایی عایدات بر تبیین بازده‌های بازار تعریف می‌کنند. برای تخمین محتوای اطلاعات عایدات حسابداری از مدل ایسون و هریس (۱۹۹۱) به شرح زیر استفاده شده است:

$$\text{Ret}_{it} = \beta_1 + \beta_2 \frac{\text{EPS}_{it}}{P_{i,t-1}} + \beta_3 \frac{\Delta \text{EPS}_{it}}{P_{i,t-1}} + \beta_4 \text{Ret}_{mt} + \beta_5 \text{EPS}_{mt} + \beta_6 \Delta \text{EPS}_{mt} + \varepsilon_{it} \quad \text{مدل (۳)}$$

که در آن EPS_{it} سود هر سهم شرکت i در سال t است.

$P_{i,t-1}$ = قیمت سهام شرکت i در سال $t-1$ ، $\text{Ret}_{i,t}$ بازده سهام مرکب سالانه شرکت i در سال t ،

ΔEPS_{it} = تغییرات عایدات هر سهم شرکت i بین دو مقطع زمانی $t-1$ و t است.

ΔEPS_{mt} = میانگین مقطعی تغییرات عایدات هر سهم است.

محتوای اطلاعاتی عایدات با استفاده از معنی‌داری ارتباط آماری عایدات با بازده تقریب می‌شود که با استفاده از آماره t ضرایب عایدات و تغییر در متغیرهای عایدات و میزان نیکویی برآزش مرتبط (ضریب تعیین تعدیل شده) اندازه‌گیری می‌شود. به دلیل اینکه استفاده از شرکت‌های بیشتر و سال‌های کمتر به وابستگی مقطعی داده‌ها منجر می‌شود، از متغیرهای Ret_{mt} میانگین مقطعی بازده سهام، EPS_{mt} میانگین مقطعی سود هرسهم، به عنوان متغیر کنترلی استفاده شده‌است.

۳-۳-۵- متغیر تعدیل‌گر

سلامت‌مالی، درماندگی مالی و ورشکستگی مالی.

در این پژوهش برای تفکیک شرکتها به لحاظ وضعیت مالی از مدل بومی شده آلتمن، توسط کردستانی و همکاران (۱۳۹۲) استفاده شده‌است. خلاصه مدل تعدیل شده آلتمن، متغیرها و محدوده های آن به شرح زیر است:

$$Z'. Score = 0.291X_1 + 2.458X_2 - 0.301X_3 - 0.079X_4 - 0.05X_5 \quad (۴)$$

که در آن:

X_1 = سرمایه در گردش به کل دارایی‌ها

X_2 = سود یا زیان انباشته به کل دارایی‌ها

X_3 = سود یا زیان عملیاتی به کل دارایی‌ها

X_4 = ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام به کل بدهی‌ها

X_5 = فروش خالص به کل دارایی‌ها

جدول (۱): محدوده های مدل تعدیل شده آلتمن

محدوده ورشکستگی	محدوده درمانده	محدوده سلامت مالی
$Z'. Score \leq -0.14$	$-0.14 \leq Z'. Score \leq 0.30$	$Z'. Score \geq 0.30$

منبع: کردستانی و همکاران (۱۳۹۲)

تعداد ۱۷۷ سال - شرکت که از نظر میانگین این نسبت‌ها تفاوت معنی‌داری با شرکت‌های باقی‌مانده در نمونه داشته‌اند، به عنوان شرکت‌های ورشکسته مالی و تعداد ۳۲۸ سال شرکت به عنوان شرکت‌های دارای سلامت مالی و ۴۴۰ مابقی به عنوان شرکت‌های مواجه با درماندگی مالی در نظر گرفته می‌شوند.

۴-۳-۵- متغیرهای کنترلی

۴-۳-۴-۱- اندازه شرکت (Size): کوک^۱ (۱۹۹۱) و فرث^۲ (۱۹۹۷) نشان دادند که شرکت‌های بزرگتر کیفیت گزارش‌های مالی بهتری نسبت به شرکت‌های کوچکتر دارند.

۴-۳-۴-۲- اهرم مالی (FL): فرانسیس و همکاران^۳ (۲۰۰۵) نشان دادند که در شرکت‌هایی که از کیفیت اقلام تعهدی پایین‌تری برخوردارند، نسبت بدهی پایین‌تری دارند، در این پژوهش برای محاسبه اهرم مالی کل بدهی‌های شرکت بر کل دارایی‌ها تقسیم می‌گردد.

۴-۳-۴-۳- سودآوری شرکت (PROFIT): پژوهش‌های پیشین نشان داده‌اند، سودآوری شرکت ممکن است با توجه به وضعیت آن (سالم، درمانده و ورشکسته) به دلیل دیدگاه مدیریت (فرصت طلبانه یا محافظه کارانه) بر شناسایی هزینه‌ها و کیفیت گزارشگری مالی تأثیر داشته باشد، لذا در این پژوهش به عنوان متغیر کنترلی اثر آن نیز مدنظر قرار داده شده است.

۴-۳-۴-۴- فرصت‌های رشد (GRO): نسبت Q-توبین، یکی از ابزارهای اندازه‌گیری عملکرد شرکت‌ها بوده که از طریق تقسیم ارزش بازار شرکت به ارزش دفتری یا ارزش جایگزینی دارایی‌های شرکت بدست می‌آید. با توجه به اینکه کیفیت گزارشگری مالی مطلوب ممکن است بر ایجاد فرصت‌های سرمایه‌گذاری مناسب مؤثر باشد و نهایتاً میزان سودآوری شرکت یکی از عوامل مهم تاثیرگذار بر سیاست‌های مدیریت است. لذا اثر این متغیر کنترل گردیده است.

۴-۳-۴-۵- نوسانات سود (FP): نوسان‌پذیری سود مقیاسی است که تغییرات سود را اندازه‌گیری می‌کند، در این پژوهش مشابه پژوهشگران دیگر (دیچو و تانگ، ۲۰۰۹؛ حقیقت و معتمد، ۱۳۹۰) نوسان سود بر اساس انحراف معیار ۵ سال گذشته آن اندازه‌گیری می‌شود.

۶- مدل پژوهش

۶-۱- مدل آزمون فرضیه اول:

برای آزمون فرضیه اول از مدل شماره (۵) به شرح زیر استفاده شده است:

$$RQ_{it} = \beta_0 + \beta_1 \text{Matching}_{it} + \beta_2 \text{Size}_{it} + \beta_3 \text{FL}_{it} + \beta_4 \text{FP}_{it} + \beta_5 \text{GRO}_{it} + \beta_6 \text{PROFIT}_{it} + \varepsilon_{it} \quad \text{مدل (۵)}$$

در این مدل RQ_{it} عبارت است از $|\varepsilon_{i,t+1}|$ حاصل از جریان‌های نقدی مدل بارث و همکاران (۲۰۰۱) که جهت پیش‌بینی کیفیت گزارشگری مالی مورد استفاده قرار گرفته است. دقت اطلاعات مالی به عنوان معیار اندازه‌گیری کیفیت آن در نظر گرفته می‌شود. برای اندازه‌گیری

1 Cooke

2 Firth.

3. Francis, et al.

میزان دقت اطلاعات مالی به صورت تجربی، از پس ماندهای معادله رگرسیون پیش‌بینی جریان‌های نقدی آینده با استفاده از اجزای تشکیل دهنده سود عملیاتی حسابداری یک دوره قبل استفاده شده‌است.

Size = اندازه شرکت، FL = اهرم مالی، FP = نوسانات سود، GRO = فرصت‌های رشد = PROFIT سودآوری شرکت هستند که به عنوان متغیرهای کنترلی مدل پژوهش می‌باشند.

۲-۶- مدل آزمون فرضیه دوم:

برای آزمون فرضیه دوم از مدل شماره (۶) به شرح زیر استفاده شده‌است:

$$\begin{aligned} \text{Ret}_{it} = & \beta_0 + \beta_1 \frac{\text{EPS}}{P_{i,t-1}} + \beta_2 \text{Matching}_{it} + \beta_3 \frac{\text{EPS}}{P_{i,t-1}} * \text{Matching}_{it} \\ & + \beta_4 \frac{\Delta \text{EPS}}{P_{i,t-1}} + \beta_5 \frac{\Delta \text{EPS}}{P_{i,t-1}} * \text{Matching}_{it} + \beta_6 \text{Retm}_t \\ & + \beta_7 \text{Retm}_t * \text{Matching}_{it} + \beta_8 \text{Epsm}_t + \beta_9 \text{Epsm}_t \\ & * \text{Matching}_{it} + \beta_{10} \Delta \text{Epsm}_t + \beta_{11} \Delta \text{Epsm}_t \\ & * \text{Matching}_{it} + \varepsilon_{it} \end{aligned} \quad \text{مدل (۶)}$$

در این مدل β_3 تاثیر اصل تطابق را بر محتوای اطلاعاتی عایدات حسابداری نشان می‌دهد.

۳-۶- مدل آزمون فرضیه سوم:

برای آزمون فرضیه سوم از مدل شماره (۷) به شرح زیر استفاده شده‌است:

$$\begin{aligned} \text{RQ}_{it} = & \beta_0 + \beta_1 \text{Matching}_{it} + \beta_2 \text{Size}_{it} \\ & + \beta_3 \text{FL}_{it} + \beta_4 \text{FP}_{it} + \beta_5 \text{GRO}_{it} + \beta_6 \text{PROFIT}_{it} + \varepsilon_{it} \end{aligned} \quad \text{مدل (۷)}$$

این مدل برای شرکت‌های سالم، درمانده و ورشکسته مالی به صورت مجزا مورد استفاده قرار می‌گیرد و برای تفکیک شرکت‌ها از مدل تعدیل شده آلتمن استفاده شده‌است.

۴-۶- مدل آزمون فرضیه چهارم:

برای آزمون فرضیه چهارم از مدل شماره (۸) به شرح زیر استفاده شده‌است:

$$\begin{aligned} \text{Ret}_{it} = & \beta_0 + \beta_1 \frac{\text{EPS}}{P_{i,t-1}} + \beta_2 \text{Matching}_{it} + \beta_3 \frac{\text{EPS}}{P_{i,t-1}} * \\ & \text{Matching}_{it} + \beta_4 \frac{\Delta \text{EPS}}{P_{i,t-1}} + \beta_5 \frac{\Delta \text{EPS}}{P_{i,t-1}} * \text{Matching}_{it} + \beta_6 \text{Retm}_t + \\ & \beta_7 \text{Retm}_t * \text{Matching}_{it} + \beta_8 \text{Epsm}_t + \beta_9 \text{Epsm}_t * \text{Matching}_{it} + \\ & \beta_{10} \Delta \text{Epsm}_t + \beta_{11} \Delta \text{Epsm}_t * \text{Matching}_{it} + \varepsilon_{it} \end{aligned} \quad \text{مدل (۸)}$$

این مدل برای شرکت‌های سالم، درمانده و ورشکسته مالی به صورت مجزا مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۸- تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش

۸-۱- آماره‌های توصیفی

در جدول شماره (۲) برخی مفاهیم آماره‌های توصیفی شامل میانگین، میانه، کمینه، بیشینه مشاهده‌ها و انحراف معیار ارائه شده است.

جدول شماره (۲): آماره‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

فرصت رشد	نوسانات سود	اهرم مالی	عایدات هر سهم	تغیرات عایدات	میانگین
۲۰۲۶	۰۰۱۰	۰,۳۱۶	۰۰۸۷	-۰۰۱۱	میانگین
۱,۳	۰۰۱	۰,۶۳۵	۰,۱۵	۱۰,۰۰	میانه
۱۴۶,۴۲	۳,۶۱	۱,۰۷	۶,۷۶	۸,۳۹	بیشینه
۰,۱۳	-۶,۴۹	۰,۰۷	-۵,۸۴	-۶,۴۱	کمینه
۶,۷۹۱	۰,۳۱۵	۰,۲۰۱	۰,۵۱۵	۰,۵۱۵	انحراف معیار
اندازه	کیفیت گزارشگری	محتوای اطلاعاتی	سودآوری	تطابق	میانگین
۱۳,۰۹۸	۴۹۴	۰,۴۲۶	۰,۱۷۸	۰,۷۶۱	میانگین
۱۳,۰۳	۱۵۲	۰,۰۰۴	۰,۱۱	۰,۹	میانه
۱۷۸,۱	۱۶۱۷	۲۱,۸۹	۱۳,۷۵	۱۰,۰۰	بیشینه
۷,۴۴	۲۰,۷۹	-۰,۹۹	-۰,۴۸	۰,۰۰۰	کمینه
۱,۵۱۰	۱۲۷	۱,۳۷۸	۰,۷۷۴	۰,۲۸۶	انحراف معیار

منبع: یافته‌های پژوهش

اصلی‌ترین شاخص مرکزی، میانگین است که بیانگر نقطه تعادل و مرکز ثقل توزیع است و شاخص خوبی برای نشان دادن مرکزیت داده‌ها است. برای مثال مقدار میانگین برای متغیر تطابق برابر با ۰,۷۶۱ است که نشان می‌دهد بیشتر داده‌ها حول این نقطه تمرکز یافته‌اند، میانه یکی دیگر از شاخص‌های مرکزی است که وضعیت جامعه را نشان می‌دهد. با توجه به نتایج مقدار میانه برای تطابق برابر ۰,۹ می‌باشد. همچنین انحراف معیار یکی از مهم‌ترین پارامترهای پراکندگی است و معیاری برای میزان پراکندگی مشاهدات از میانگین است و مقدار آن برای تطابق ۰,۲۸۶ است.

۲-۸- تحلیل فرضیه‌ها

نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها به شرح زیر مطرح می‌باشد.

۱-۲-۸- فرضیه اول:

در جدول شماره (۳) نتایج حاصل از آزمون فرضیه اول ارائه شده‌است. ابتدا بر اساس آزمون‌های F لیمر و هاسمن الگوی مناسب مدل رگرسیونی انتخاب شده و در ادامه، فرضیه پژوهش در قالب الگوی انتخابی (الگوی اثرات ثابت) آزمون گردید. سطح معنی‌داری آزمون F برای متغیر اصل تطابق (۰,۰۰۱) بوده، که بیانگر معنادار بودن مدل در سطح اطمینان ۹۵ درصد است. همچنین مقدار آماره دوربین واتسون برابر (۱,۶۴) است که نشان از عدم وجود خودهمبستگی سریالی در اجزای اخلال رگرسیون است.

جدول شماره (۳): نتایج حاصل از آزمون تأثیر رعایت اصل تطابق

بر دقت اطلاعات مالی

$RQ_{it} = \beta_0 + \beta_1 \text{Matching}_{it} + \beta_2 \text{Size}_{it} + \beta_3 \text{FL}_{it} + \beta_4 \text{FP}_{it} + \beta_5 \text{GRO}_{it} + \beta_6 \text{PROFIT}_{it} + \varepsilon_{it}$				
متغیرها	ضریب تأثیر	خطای استاندارد	آماره-t	احتمال
تطابق	-۳,۸۶۳	۱,۳۸۹	-۲,۷۸۱	۰,۰۰۵۵
اندازه شرکت	۳,۳۶۰	۰,۲۵۲	۱۳,۳۱۸	۰,۰۰۰
اهرم مالی	-۷,۵۰۷	۱,۹۶۰	-۳,۸۲۸	۰,۰۰۱
نوسانات سود	-۲۲۷	۷۵۱	-۰,۳۰۲	۰,۷۶۲
فرصت‌های رشد	۱۸۲	۱۶۱	۱,۱۲۴	۰,۲۶۱
سودآوری شرکت	۲۳۶	۸۳,۰۶	۲,۷۴۱	۰,۰۰۶
ینا	-۳۱,۶	۳,۳۷۶	-۹,۳۷۸	۰,۰۰۰
ضریب تعیین	۰,۱۷۰	آماره-F	۶۴,۳۲۷	
ضریب تعیین تعدیل شده	۰,۱۶۷	احتمال-F	۰,۰۰۱	
دوربین-واتسون		۱,۶۴		

منبع: یافته‌های پژوهش

سطح معنی‌داری آزمون t برای متغیر رعایت اصل تطابق برابر با ۰/۰۰۵ بوده که نشان می‌دهد، اصل تطابق بر دقت اطلاعات مالی در پیش‌بینی جریان‌های نقدی آینده تأثیر معنی‌داری گذاشته و با توجه به ضریب تأثیر این متغیر که ۳/۸۶- بوده و همچنین RQ_{it} معیار معکوسی برای کیفیت گزارشگری مالی است، می‌توان گفت اصل تطابق از نظر آماری تأثیر مثبت و معنی‌داری بر کیفیت گزارشگری مالی می‌گذارد، به عبارتی رعایت اصل تطابق باعث بهبود دقت اطلاعات مالی در پیش‌بینی جریان‌های نقدی آینده شرکت‌ها می‌شود. ضریب تعیین تعدیل شده نیز بیانگر آن

است که در کل پژوهش حدود ۱۶ درصد از تغییرات کیفیت گزارشگری مالی توسط متغیرهای پژوهش در مدل مربوط توضیح داده شده است. سطح معنی داری متغیرهای کنترلی نشان می‌دهند که دقت اطلاعات مالی در پیش‌بینی جریان‌های نقدی آینده تحت تأثیر اندازه شرکت، اهرم مالی و سودآوری شرکت نیز قرار می‌گیرد. لذا، شواهد کافی مبنی بر رد فرضیه اول پژوهش وجود ندارد.

۲-۲-۸- فرضیه دوم: جدول شماره (۴) نتایج آزمون فرضیه دوم پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول شماره (۴): نتایج آزمون تأثیر رعایت اصل تطابق بر محتوای اطلاعاتی عایدات

$Ret_{it} = \beta_0 + \beta_1 \frac{EPS}{P_{i,t-1}} + \beta_2 Matching_{it} + \beta_3 \frac{EPS}{P_{i,t-1}} * Matching_{it} + \beta_4 \frac{\Delta EPS}{P_{i,t-1}} + \beta_5 \frac{\Delta EPS}{P_{i,t-1}} * Matching_{it} + \beta_6 Retm_t + \beta_7 Retm_t * Matching_{it} + \beta_8 Epsm_t + \beta_9 Epsm_t * Matching_{it} + \beta_{10} \Delta Epsm_t + \beta_{11} \Delta Epsm_t * Matching_{it} + \varepsilon_{it}$				
متغیرها	ضریب تأثیر	خطای استاندارد	آماره-t	احتمال
سود هر سهم سال قبل	۱.۵۹۳	۰.۲۰۶	۷.۷۰۷	۰.۰۰۱
تطابق	-۰.۲۶۰	۲.۱۰۴	-۰.۱۲۳	۰.۹۰۱
سود هر سهم سال قبل * تطابق	-۰.۷۱۴	۰.۳۰۸	-۲.۳۱۶	۰.۰۲۰
تغییرات عایدات دوره	-۱.۸۲۲	۰.۱۵۵	-۱۱.۷۳۰	۰.۰۰۱
تغییرات عایدات * تطابق	۲.۱۰۳	۰.۲۸۸	۷.۳۰۲	۰.۰۰۰
میانگین مقطعی بازده سهام	۱.۱۳۱	۰.۶۰۱	۱.۸۷۹	۰.۰۶۰
میانگین مقطعی * تطابق	-۰.۰۷۲	۰.۷۴۲	-۰.۰۹۸	۰.۹۲۱
میانگین مقطعی سود سهم	-۰.۰۰۰	۰.۰۰۳	-۰.۱۸۶	۰.۸۵۲
میانگین مقطعی سود سهم * تطابق	-۰.۰۰۱	۰.۰۰۴	-۰.۰۳۶	۰.۹۷۱
میانگین مقطعی تغییرات عایدات	۰.۰۰۱	۰.۰۰۰	۰.۳۹۸	۰.۶۹۰
میانگین مقطعی عایدات * تطابق	-۰.۰۰۰	۰.۰۰۱	-۰.۲۱۹	۰.۸۲۶
عرض از مبدا	۰.۵۴۸	۱.۷۰۴	۰.۳۲۱	۰.۷۴۷
ضریب تعیین	۰.۴۵۱	آماره F-	۳.۰۷۴	
ضریب تعیین تعدیل شده	۰.۳۰۴	احتمال F-	۰.۰۰۰	
دورین-واتسون		۲,۰۶۸		

منبع: یافته‌های پژوهش

با توجه به بررسی متغیر سود هر سه سال قبل* تطابق در مدل مربوطه، از آنجایی که ضریب این متغیر (۰,۷۱۴-) بوده و سطح معنی داری آن (۰,۰۲۰) می‌توان گفت از نظر آماری اصل تطابق تأثیر منفی و معنی داری بر محتوای اطلاعاتی عایدات حسابداری دارد.

آماره دوربین-واتسون (۲,۰۶) بیانگر عدم وجود خودهمبستگی بین متغیرهای مدل است. همچنین ضریب تعیین تعدیل شده نشانگر آن است که در کل دوره پژوهش حدود ۳۰ درصد از تغییرات محتوای اطلاعاتی عایدات حسابداری به وسیله متغیرهای پژوهش توضیح داده شده است. و احتمال آماره F نشان می‌دهد که مدل مربوطه از لحاظ آماری معنی دار است. لذا، دلیل کافی برای رد فرضیه دوم پژوهش وجود ندارد.

۳-۳-۸- فرضیه سوم:

برای آزمون این فرضیه از مدل شماره (۷) استفاده شده است. لازم به ذکر است برای آزمون فرضیه فوق، باید این مدل برای هر سه دسته شرکت‌های سالم، درمانده و ورشکسته مالی به صورت مجزا آزمون شود. در جدول شماره (۵) نتایج حاصل از مدل رگرسیون به روش حداقل مربعات تعمیم یافته GLS به تفکیک شرکت‌های سالم، درمانده و ورشکسته مالی ارائه شده است. با توجه به نتایج آزمون مدل فوق و بررسی متغیر اصل تطابق سطح معنی داری این متغیر به ترتیب در شرکت‌های سالم، درمانده و ورشکسته (۰,۰۴)، (۰,۴۴۳) و (۰,۶۸۸) بوده که نشان از وجود رابطه معنادار و مستقیم بین رعایت اصل تطابق و کیفیت گزارشگری مالی تنها در شرکت‌های سالم بوده است. نتایج این پژوهش با مطالعه سو^۱ (۲۰۰۵) همخوانی دارد. سو نشان داد فرضیه گیبینز و ویلت - تطابق درآمد و هزینه در حقیقت تکنیک حسابداری برای هموارسازی سود است - در صورتی درست است شرکت در جایگاه سود قرار بگیرد، اما برای زمانی که شرکت در منطقه زیان قرار دارد همواره صادق نیست.

آماره دوربین-واتسون برای شرکت‌های دارای سلامت، درماندگی و ورشکسته مالی به ترتیب (۱,۶)، (۲,۰۰) و (۱,۸۲) است که بیانگر عدم وجود خودهمبستگی بین متغیرهای پژوهش است. احتمال آماره F برای گروه شرکت‌های سالم، درمانده و ورشکسته مالی نیز (۰,۰۰۱) می‌باشد که بیانگر این است مدل پژوهش به صورت کلی معنی دار است. به منظور بررسی اثر شرکت‌های سالم، درمانده و ورشکسته بر رابطه بین رعایت اصل تطابق و دقت اطلاعات مالی در پیش‌بینی جریان‌های نقدی آینده از آزمون پترنوستر (۱۹۹۸) استفاده شده است. یافته‌ها نشان می‌دهند که بین ضرایب رعایت اصل تطابق و دقت اطلاعات مالی در پیش‌بینی جریان‌های نقدی آینده در بین شرکت‌های سالم و ورشکسته مالی تفاوت معناداری (۱,۹۹) وجود دارد و می‌توان بیان نمود

که بین تأثیر رعایت اصل تطابق بر دقت اطلاعات مالی در پیش‌بینی جریان‌های نقدی آینده در شرکت‌های سالم، درمانده و ورشکسته تفاوت وجود دارد. بنابراین دلیل کافی برای رد فرضیه سوم پژوهش وجود ندارد.

جدول شماره (۵): نتایج حاصل از آزمون تأثیر رعایت اصل تطابق بر دقت اطلاعات حسابداری به تفکیک شرکت‌های سالم، درمانده و ورشکسته مالی

$RQ_{it} = \beta_0 + \beta_1 \text{Matching}_{it} + \beta_2 \text{Size} + \beta_3 \text{FL} + \beta_4 \text{FP} + \beta_5 \text{GRO} + \beta_6 \text{PROFIT} + \varepsilon_{it}$									
شرکت‌های ورشکسته			شرکت‌های درمانده مالی			شرکت‌های سالم مالی			متغیرها
احتمال	آماره t	ضریب تأثیر	احتمال	آماره t	ضریب تأثیر	احتمال	آماره t	ضریب تأثیر	
۰.۶۸۸	-۰.۴۰۱	-۲۱۷۲.۷۵	۰.۴۴۳	۰.۷۶۷	۶.۲۵	۰.۰۴۱	-۲.۰۴۶	-۴۷۲۸۳.۸	تطابق
۰.۰۰۱	۶.۴۲۸	۶۸۵۶.۲۰۸	۰.۱۱۲	۱.۵۸۹	۸.۹۳	۰.۰۰۱	۶.۷۳۸	۵۲۰۹۵.۹۴	اندازه شرکت
۰.۷۳۲	-۰.۳۴۱	-۱۷۲۰.۴۸	۰.۱۴۳	-۱.۴۶۷	-۱.۲	۰.۰۴۲	-۲.۰۳۷	-۹۰۱۵۰.۷	اهرم مالی
۰.۰۶۰۳	۱.۸۹۱	۸۶۳۱.۷۵۷	۰.۵۵۱	۰.۵۹۶	۲.۰۳	۰.۷۸۱	۰.۲۷۸	۱۲۱۹۸.۳۱	نوسانات سود
۰.۰۰۹	۲.۶۱۱	۲۹۵۷.۰۹۶	۰.۰۷۵	۱.۷۸۲	۱.۰۸	۰.۰۰۱	۳.۶۰۱	۱۴۶۷.۷۶۵	فرصت‌های رشد
۰.۶۷۷	۰.۴۱۶	۴۳۴۸.۹۴	۰.۱۵۱	۱.۴۳۸	۱.۰۵	۰.۹۱۷	۰.۱۰۳	۶۱۰.۶۲۰۱	سودآوری شرکت
۰.۰۰۱	-۴.۷۵۳	-۶۷۴۰.۱۷	۰.۰۹	-۱.۶۹۹	-۶.۵	۰.۰۰۱	-۵.۸۱۶	-۵۴۷۰.۳۱	بنا
۰.۲۳۶۵			۰.۳۲۱۲			۰.۲۷۲			ضریب تعیین
۰.۲۰۹			۰.۱۳۸۲			۰.۲۵۸			ضریب
۸.۷۷۷			۱.۷۵۵۵			۱۹.۵۶			اماره - F
۰.۰۰۱			۰.۰۰۰۱			۰.۰۰۱			احتمال - F
۱.۸۲۷۷			۲.۰۰۲			۱.۶۹۶			دوربین - واتسون
شرکت‌های درمانده و ورشکسته=۰.۷۶۱			شرکت‌های سالم و ورشکسته=۱.۹۹			شرکت‌های سالم و درمانده=۰.۷۷۲			آزمون پترنوستر
آزمون انتخاب الگوی مناسب برای آزمون فرضیه‌ها									
آزمون هاسمن	آزمون F لیمر	آزمون هاسمن	آزمون F لیمر	آزمون هاسمن	آزمون F لیمر	آزمون هاسمن	آزمون F لیمر	آماره	
۱۹,۲۱	۵,۶۵۴	۹,۱۷۴	۱,۰۴۶	۲۱,۰۶۳	۳,۴۸۵	۲۱,۰۶۳	۳,۴۸۵	۱۹,۲۱	
۱۶,۲۵	۱۴	۱,۸	۱۵,۰۰۲	۷,۰۶	۱۲,۷۵۱	۷,۰۶	۱۲,۷۵۱	درجه آزادی	
۰.۰۰۱	۰.۰۰۰	۰.۰۰۱	۰.۰۰۰	۰.۰۰۱	۰.۰۰۱	۰.۰۰۱	۰.۰۰۱	احتمال	
اثرات ثابت			اثرات ثابت			اثرات ثابت			الگوی انتخابی

منبع: یافته‌های پژوهش

نتایج حاصل از آزمون بررسی اثر رعایت اصل تطابق بر دقت اطلاعات مالی در شرکت‌های درمانده با توجه به احتمال آماره t به میزان (۰,۴۴) نشان دهنده عدم وجود رابطه معنادار است.

نتایج مطالعه پژوهشگرانی چون دچو و تانگ (۲۰۰۶) و دانلسون و همکاران^۱ (۲۰۱۰) نشان می‌دهد که میان تطابق درآمد و هزینه با پایداری سود ارتباط مستقیم وجود دارد. ضریب تعیین تعدیل شده شرکت‌های سالم (۰,۲۵)، درمانده (۰,۱۳) و ورشکسته (۰,۲۰) بوده که بیانگر میزان توضیح دهندگی متغیر وابسته براساس متغیرهای مستقل پژوهش می‌باشد.

۴-۳-۸- فرضیه چهارم:

برای آزمون فرضیه فوق از مدل دوم پژوهش استفاده شده با این تفاوت که این مدل برای هر سه دسته شرکت‌های شرکت‌های دارای سالم، درمانده و ورشکسته مالی به صورت مجزا آزمون شده است. در جدول شماره (۶) نتایج حاصل از مدل رگرسیون به روش حداقل مربعات تعمیم یافته GLS به تفکیک در شرکت‌های سالم، درمانده و ورشکسته ارائه شده است. با توجه به نتایج آزمون مدل رگرسیون این پژوهش و بررسی (β_3) در مدل پژوهش مربوط به شرکت‌های سالم، سطح معنی داری متغیر رعایاصل تطابق به میزان (۰,۰۳) نشان از وجود رابطه معنادار و مستقیم بین رعایاصل تطابق و محتوای اطلاعاتی عایدات حسابداری است.

همچنین در شرکت‌های درمانده، سطح معنی داری متغیر رعایت اصل تطابق به میزان (۰,۰۰۱) نشان از وجود رابطه معنادار و مستقیم بین رعایت اصل تطابق و محتوای اطلاعاتی عایدات حسابداری در این گروه است. در نهایت در شرکت‌های ورشکسته مالی، سطح معنی داری متغیر رعایت اصل تطابق به میزان (۰,۰۰۳) نشان از وجود رابطه معنادار و مستقیم بین رعایت اصل تطابق و محتوای اطلاعاتی عایدات حسابداری در این گروه است. ضریب تعیین تعدیل شده در شرکت‌های سالم (۰,۲۵)، درمانده (۰,۳۸) و ورشکسته مالی (۰,۲۳) بیانگر میزان توضیح دهندگی متغیر محتوای اطلاعاتی عایدات حسابداری توسط متغیرهای مدل است. آماره دوربین-واتسون برای شرکت‌های سالم، درمانده و ورشکسته مالی به ترتیب (۲,۵۷)، (۲,۳۹) و (۲,۲۹) است که بیانگر عدم وجود خودهمبستگی بین متغیرهای پژوهش است. احتمال آماره F برای گروه شرکت‌های سالم، درمانده مالی و ورشکسته مالی (۰,۰۰۱) می‌باشد که بیانگر این است مدل پژوهش به صورت کلی معنی دار است.

جدول شماره (۶): نتایج حاصل از آزمون تأثیر رعایت اصل تطابق بر محتوای اطلاعاتی در شرکت‌های سالم، درمانده و ورشکسته مالی

$$Ret_{it} = \beta_0 + \beta_1 \frac{EPS}{P_{i,t-1}} + \beta_2 Matching_{it} + \beta_3 \frac{EPS}{P_{i,t-1}} * Matching_{it} + \beta_4 \frac{\Delta EPS}{P_{i,t-1}} + \beta_5 \frac{\Delta EPS}{P_{i,t-1}} * Matching_{it} + \beta_6 Ret_{it} + \beta_7 Ret_{it} * Matching_{it} + \beta_8 Eps_{it} + \beta_9 Eps_{it} * Matching_{it} + \beta_{10} \Delta Eps_{it} + \beta_{11} \Delta Eps_{it} * Matching_{it} + \varepsilon_{it}$$

شرکت‌های ورشکسته			شرکت‌های درمانده مالی			شرکت‌های سلامت مالی			متغیرها
احتمال	آماره t	ضریب تأثیر	احتمال	آماره t	ضریب تأثیر	احتمال	آماره t	ضریب تأثیر	
۰.۷۰۱	-۰.۳۸۴	-۰.۰۲	۰.۸۲۴	-۰.۲۲۱	-۰.۱۴۰	۰.۰۲۰	۲.۳۳	۱.۱۷۸	سود هر سهم سال قبل
۰.۳۳۴	۰.۹۶۸	۰.۳۰۱	۰.۴۵۹	۰.۷۳۹	۰.۴۴۴	۰.۷۵۵	۰.۳۱۱	۰.۸۳۶	تطابق
۰.۰۰۳	۲.۹۴	۰.۱۸۸	۰.۰۰۱	۴.۲۵۰	۳.۰۶۶	۰.۰۳۲	۲.۱۵	۲.۰۲۴	سود هر سهم سال قبل * تطابق
۰.۴۹۲	۰.۶۸۸	۰.۰۶۱	۰.۳۵۷	۰.۹۲۰	۰.۴۴۶	۰.۰۰۱	-۱۵.۱	-۳.۰۱	تغیرات عایدات دوره
۰.۶۳۳	۰.۴۷۸	۰.۰۵۵	۰.۰۲۵	-۲.۲۴۱	-۱.۱۲۴	۰.۰۰۰	۶.۰۱۳	۳.۴۹۸	تغیرات عایدات * تطابق
۰.۰۰۱	-۳.۲۴۳	-۰.۵۱	۰.۱۳۳	۱.۵۰۵	۰.۷۲۶	۰.۹۳	-۰.۰۸	-۰.۰۶	میانگین مقطعی بازده سهام
۰.۰۰۱	۴.۳۵	۰.۸۸۲	۰.۵۲۱	۰.۶۴۱	۰.۳۴۷	۰.۱۶۹	۱.۳۷	۱.۲۹۰	میانگین مقطعی * تطابق
۰.۰۰۶	۲.۷۶۲	۰.۰۰۱	۰.۹۳	۰.۰۸۶	۰.۰۰۱	۰.۸۴۲	۰.۱۹	۰.۰۱	میانگین مقطعی سود سهم
۰.۲۵۳	-۱.۱۵۱	-۰.۰۱	۰.۱۵۲	-۱.۴۳۳	-۰.۰۱۸	۰.۵۱۹	-۰.۶۴	-۰.۰۱	میانگین مقطعی سود سهم * تطابق
۰.۰۶۲	۱.۸۷۵	۰.۰۰۱	۰.۵۰۱	۰.۶۷۵	۰.۰۰۱	۰.۱۰۹	۱.۶۰۵	۰.۰۰۱	میانگین مقطعی تغییرات عایدات
۰.۰۰۶	-۳.۴۸۶	-	۰.۹۵۶	-۰.۰۵۵	-۵.۹۳۰	۰.۲۴۲	-۱.۱۷	-۰.۰۱	میانگین مقطعی عایدات * تطابق
۰.۰۱۴	-۲.۴۷۶	-۰.۸۵	۰.۹۴۱	-۰.۰۷۳	-۰.۰۵۳	۰.۹۳۲	-۰.۰۸	-۰.۱۸	عرض از مبدا
۰.۲۸۵۲۹۸			۰.۵۲۴۹۳۱			۰.۲۸۱			ضریب تعیین
۰.۲۳۷۶۵۲			۰.۳۸۸۴۰۱			۰.۳۲۴			ضریب تعیین تعدیل شده
۵.۹۸۷۷۸			۳.۸۴۴۷۹۶			۱۱,۳۰۷			آماره F
۰.۰۰۱			۰.۰۰۱			۰.۰۰۱			احتمال F
۲.۲۹۲۵۰۹			۲.۳۹۶۸۳۵			۲,۵۷			دوربین - واتسون
گروه درمانده ورشکسته = ۳,۹۴			گروه سالم و ورشکسته = ۰,۷۵			گروه سالم و درمانده = ۲,۴۵			آزمون پترنوستر
آزمون انتخاب الگوی مناسب برای آزمون فرضیه چهارم پژوهش (الگوی انتخابی: اثرات ثابت)									
آزمون هاسمن	لیمر	آزمون هاسمن	F لیمر	آزمون هاسمن	F لیمر	آزمون هاسمن	F لیمر	آماره	
۱۱,۹۸۱	۹,۱۵۴	۹,۱۷۴	۴,۲۰۱	۲۳,۲۱۵	۱۴,۴۰۶				
۱۰,۲۵	۱۴	۱,۸	۲	۱۳,۲۵۵	۷,۰۵۵			درجه آزادی	
۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۱	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۱			احتمال	

منبع: یافته‌های پژوهش

به منظور بررسی اثر شرکت‌های سالم، درمانده و ورشکسته بر رابطه بین رعایت اصل تطابق و محتوای اطلاعاتی عایدات حسابداری از آزمون پترنوستر استفاده شده است. یافته‌ها نشان می‌دهند که بین ضرایب رعایت اصل تطابق و محتوای اطلاعاتی عایدات حسابداری در بین شرکت‌های سلامت مالی و درمانده مالی (۲,۴۵) و درمانده مالی و ورشکسته مالی (۳,۹۴) تفاوت معنی داری از نظر آماری وجود دارد. لذا، می‌توان بیان نمود دلیل کافی برای رد فرضیه چهارم پژوهش وجود ندارد.

۹- نتیجه‌گیری پژوهش

نتایج آزمون فرضیه اول بیانگر این است که رعایت اصل تطابق بر دقت اطلاعات حسابداری در پیش‌بینی جریان‌های نقدی آینده تأثیر دارد. یعنی با رعایت اصل تطابق کیفیت گزارشگری مالی شرکت افزایش می‌یابد و از دیدگاه تئوریک نیز منطقی به نظر می‌رسد که تطابق مخارج یک دوره درآمدهای همان دوره باعث ارزش آفرینی و شفافیت و نهایتاً بالا رفتن کیفیت گزارشگری مالی می‌گردد. با توجه به اینکه معیار اندازه‌گیری کیفیت گزارشگری مالی جریان‌های نقدی می‌باشد مسلماً اصل تطابق (همبستگی بین درآمدها و هزینه‌های دوره) یک آیتم مؤثر در بالا بردن کیفیت گزارشگری مالی است. طبق یافته‌های کرمی و قربانزاده (۱۳۹۱) هرچه تطابق بین درآمدها و هزینه‌ها بیشتر باشد، نوسان بازده و خطای پیش‌بینی سود هر سهم کمتر خواهد بود. که نتیجه این فرضیه نیز همسو یا یافته‌های پژوهش مذکور می‌باشد.

آزمون فرضیه دوم این پژوهش به بررسی تأثیر رعایت اصل تطابق بر محتوای اطلاعاتی عایدات حسابداری پرداخته که نتایج آن بیانگر وجود رابطه معکوس و معنادار بوده که می‌تواند ناشی از تأثیر ضعف اصل بهای تمام شده تاریخی در خصوص متغیرهای صورت‌های مالی باشد. در حالی که از دیدگاه تئوریک اینگونه بیان می‌گردد که رعایت اصل تطابق (همبستگی بین درآمدها و هزینه‌ها یک دوره) نقطه قوتی در جهت شفافیت و پایداری سود و همچنین کمک به پیش‌بینی بهتر جهت سرمایه‌گذاری می‌گردد (اعتمادی و عبدالی؛ ۱۳۹۴) لیکن دیدگاه مقابل که کمتر به آن پرداخته شده است نیز وجود دارد که می‌تواند ناشی از بهای تمام شده تاریخی است و همچنین فرض تعهدی در حسابداری علی‌رغم دست‌آورد ارزشمندش در حسابداری شاید نیاز به تعدیل و یا جا برای بهبود این مفروضات ضروری به نظر برسد. مدیران بنا به دلایلی مانند ابقاء در شرکت، دریافت پاداش، افزایش ارزش شرکت و ... از طریق مدیریت سود همچنین از طریق اختیار مدیران در برآوردها، پیش‌بینی‌ها، اصل پژوهش و اصل تطابق می‌توانند شرکت‌هایی که

وضعیت مالی نامطلوبی دارند، مطلوب جلوه دهد. لذا در این گونه شرکت‌ها کیفیت و محتوای اطلاعات مالی به دلیل اقدامات مدیران کاهش می‌یابد (خواجوی و کاظمی، ۱۳۸۴).

آزمون فرضیه سوم پژوهش به بررسی ارتباط اثر رعایت اصل تطابق بر دقت اطلاعات حسابداری در پیش‌بینی جریان‌های نقدی آینده در شرکت‌های سالم، درمانده و ورشکسته پرداخته‌است که نتایج حاکی از این است که بین رعایت اصل تطابق و دقت اطلاعات حسابداری در پیش‌بینی جریان‌های نقدی آینده در بین این شرکت‌ها تفاوت وجود دارد. از دیدگاه تئوریک نیز رعایت اصل تطابق باعث افزایش کیفیت گزارشگری مالی می‌شود. همچنین لین و ویلت^۱ (۱۹۹۹) در مطالعه‌ای به این نتیجه رسیدند که تطابق مناسب اثر هموارسازی بر سود دارد که برای تخمین سودآوری اقتصادی بلندمدت مفید است. دیچو و تانگ (۲۰۰۸) نیز بیان کردند که هدف از حسابداری تطابق، شناسایی صریح و اندازه‌گیری واقعیت‌های اقتصادی برای کمک به امر پیش‌بینی توسط سرمایه‌گذاران است. فرضیه گیبینز و ویلت (۱۹۹۷) این بود که تطابق درآمد و هزینه در حقیقت تکنیک حسابداری برای هموارسازی سود است. مطالعه سو (۲۰۰۵) نشان می‌دهد که این فرضیه در صورتی درست است که شرکت در جایگاه سود قرار بگیرد، اما برای زمانی که شرکت در منطقه زیان قرار دارد همواره صادق نیست. اینگونه به نظر می‌رسد محافظه‌کاری حسابداران در شناسایی زیان‌ها در زمانی که پیش‌بینی می‌شود، با هموارسازی سود سازگار است.

نتایج حاصل از آزمون فرضیه چهارم پژوهش حاکی از این است که بین رعایت اصل تطابق و محتوای اطلاعاتی عایدات حسابداری در بین شرکت‌های سالم، درمانده و ورشکسته مالی تفاوت وجود دارد. با بررسی مدل چنین به نظر می‌رسد که چارچوب حاکم بر بازار نیمه کارا در خصوص محتوای اطلاعاتی حسابداری که در جهت کم‌رنگ نمودن اهمیت این اطلاعات است نمی‌تواند از اساس و پایه قوی برخوردار باشد. پارادایم بازار نیمه کارا در سال‌های اخیر باعث شده که اطلاعات حسابداری کم اهمیت جلوه داده شوند. هرچند که نتایج این فرضیه نشانگر نادرستی این ادعا است و بیانگر نقش مؤثر اطلاعات حسابداری در ارزشیابی شرکت‌ها است. در همین راستا راجانا و پاراکاش (۲۰۰۹) بیان کردند که تطابق ضعیف دارای اثری نامناسب بر شفافیت صورتهای مالی و قابلیت سودآوری آتی داشته و کمک اندکی به سرمایه‌گذاران و تحلیل‌گران مالی در پیش‌بینی سود می‌کند و باعث قیمت‌گذاری اشتباه در اوراق بهادار می‌شود.

۱۰- پیشنهادهای پژوهش

۱۰-۱- پیشنهادهای حاصل از پژوهش:

با توجه به تأثیر مثبت رعایت اصل تطابق بر کیفیت گزارشگری مالی به استفاده‌کنندگان اطلاعات مالی توصیه می‌شود، رعایت اصل تطابق را به عنوان یک پیش شرط کیفیت اطلاعات مالی در نظر بگیرند، همچنین با توجه به آزمون پترنوستر و تفاوت رعایت اصل تطابق در انواع شرکتها به استفاده‌کنندگان پیشنهاد می‌شود به این نکته توجه داشته باشند که وضعیت مالی شرکتها (شرکت‌های سالم، درمانده مالی و ورشکسته مالی) بر رابطه بین اصل تطابق و کیفیت گزارشگری مالی تأثیرگذار است. به مدیران و سازمان بورس اوراق بهادار نیز پیشنهاد می‌گردد که رعایت اصل تطابق را به صورت دقیق مورد توجه قرار دهند چرا که اصل تطابق باعث افزایش کیفیت گزارشگری مالی (هم از نظر محتوای اطلاعاتی و هم از نظر دقت اطلاعات مالی) می‌گردد.

۱۰-۲- پیشنهاد برای پژوهش‌های آتی

با توجه به اینکه پژوهش در خصوص اصل تطابق اندک بوده است پیشنهاد می‌گردد همزمان با تغییرات در استانداردها و تاثیرگذاری موضوع با دیدگاه مقایسه‌ای در این خصوص پژوهش‌های دیگری نیز صورت پذیرد. همچنین پیشنهاد می‌گردد این پژوهش به تفکیک صنعت نیز توسط پژوهشگران در پژوهش‌های آتی مورد توجه قرار گیرد.

۱۱- محدودیت‌های پژوهش

با توجه به این که نمونه پژوهش از بین شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران انتخاب شده است، شرکت‌های نمونه از لحاظ اندازه، صنعت، ساختار مالکیت، نوع محصولات، لزوماً معرف تمام واحدهای اقتصادی فعال در کشور نیستند بنابراین تعمیم یافته‌ها باید با احتیاط انجام گیرد. یکی از محدودیت‌های دیگر پژوهش، عدم وجود داده‌های لازم در برخی شرکت‌ها و صورت‌های مالی آن‌ها است که موجب حذف این شرکت‌ها از نمونه شده است. اصولاً نتایج مدل‌های رگرسیون با کمتر از ۱۵ سال مشاهده به شدت به نقض فروض کلاسیک حساس است. از آنجا که رگرسیون برای هر شرکت به صورت مجزا برآورد شده است ممکن است نتایج مدل تطابق و همچنین محتوای اطلاعاتی عایدات حسابداری را تحت تأثیر قرار دهد.

منابع

- ۱- اعتمادی، حسین؛ عبدلی، لیلا (۱۳۹۴). "هموارسازی سود و عملکرد قیمت سهام در بحران مالی". فصلنامه حسابداری مالی. شماره ۷: ۱-۲۸.
- ۲- برادران حسن زاده، رسول؛ بادآورنهندي، یونس (۱۳۸۸). "ارزیابی کیفیت سودآوری شرکت‌ها (مورد صنایع شیمیایی و دارویی)". فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مالی، شماره ۸، ۱۴۴-۱۵۸.
- ۳- حقیقت، حمید و مهدی معتمد (۱۳۹۰) "بررسی رابطه بین نوسان پذیری و قابلیت پیش بینی سود". پیشرفت های حسابداری ، سال سوم، شماره ۲ ، ص ۸۷ - ۶۵.
- ۴- خواجهوی، شکرالله؛ قدیریان آرانی، محمد حسین (۱۳۹۴). "بررسی تأثیر کیفیت سود بر تجدید ارائه صورت‌های مالی"، پیشرفت های حسابداری ، بهار و تابستان ۱۳۹۴، دوره هفتم - شماره ۲، ص ۸۴ - ۵۹.
- ۵- طرینی، مصطفی؛ کاظمی، حسین؛ ۱۳۹۰، رابطه تطابق درآمد و هزینه با نوسان پذیری و پایداری سود؛ فصلنامه مطالعات حسابداری شماره ۲۹، ص ۵۴-۳۸.
- ۶- کرمی، غلامرضا؛ قربانزاده، علیرضا (۱۳۹۲). "تأثیر اصل تطابق بر عدم اطمینان اطلاعاتی". فصلنامه دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، سال دوم، شماره ۲: ۶-۱۱.
- ۷- مشایخی، بیتا؛ جلالی، فرزانه (۱۳۹۱). "بررسی ارتباط میان رعایت اصل تطابق و ویژگی‌های سود". فصلنامه حسابداری مالی، سال چهارم، شماره ۱۵: ۶۷-۸۸.
- ۸- مهران، ساسان؛ مهران، کاوه؛ منصفی، یاشار؛ کرمی، غلامرضا (۱۳۸۴). «بررسی کاربردی الگوهای پیش‌بینی ورشکستگی زیمسکی و شیراتا در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران» فصلنامه بررسی های حسابداری و حسابرسی، شماره ۴۱، ص ۱۰۵-۱۳۱
- ۹- نیکومرام، هاشم؛ بادآورنهندي، یونس (۱۳۸۸). "تبیین و ارائه الگویی برای تعیین و ارزیابی و عوامل مؤثر بر انتخاب کیفیت گزارشگری مالی در ایران" فصلنامه فراسوی مدیریت، شماره ۸، ۱۴۱-۱۸۷.

- 10- Barth, M., Cram, D. P., & Nelson, K., (2001). "Accruals and the Prediction of Future Cash Flows." **The Accounting Review**, 76: 25-58.
- 11- Cohen, A. D. (2004). "Quality of Financial Reporting Choice: Determinants and Economic Consequences. (Unpublished Doctoral Dissertation)." **Northwestern University**.
- 12- Cooke, T. E. (1991). An assessment of voluntary disclosure in the annual reports of Japanese corporations. **The International Journal of Accounting**, 26, 174-189.
- 13- DeFond, M. L. and Jiambalvo J. (1994). Debt covenant violation and manipulation of accruals, *Journal of Accounting and Economics*, 17(1-2): 145-176.
- 14- Dichev, I. and V. W. Tang (2008). "Matching and the changing properties of accounting earnings over the last 40 years." **The Accounting Review**, 83: 1-36.
- 15- Dichev, I. and V. W. Tang. (2007). "Earnings volatility and earnings predictability." **Journal of Accounting and Economics**, 47:160-181.
- 16- Dichev, Ilia D; Tang, Vicki Wei (2008). "Matching and the changing properties of accounting earnings over the last 40 years." **Ross School of Business at the University of Michigan**.
- 17- Donelcon Dain C, Jennings Ross, McInnis John, (2011). "Changes or over time in the Revenue-Expense Relation: Accounting or Economics?" **The Accounting Review**, No.3:pp.945-974.
- 18- FASB, (1978). "Statement of financial accounting Concept 1: Objectives of financial reporting by business enterprises". **Stamford CT: FASB: 117-139**.
- 19- Firth, M. (1997). The provision of non-audit services and the pricing of audit fees. **Journal of Business Finance and Accounting**, 24,511-525.
- 20- Francis, J., R. LaFond, P. M. Olsson, and C. M. Strand (2005). "The market pricing of accruals quality." **Journal of Accounting and Economics**, 39: 295-327.

- 21- Jonas, G. and Blanchet, J. (2000). "Assessing Quality of Financial Reporting," **Accounting Horizons**, Vol. 14: pp. 353-363.
- 22- Lane, J. and R. Willett (1999). "Optimal smoothing of accounting earnings. IMA" **Journal of Mathematics Applied in Business & Industry**, 10: 1-14.
- 23- Lev, B., & Zarowin, P. (1999). "The boundaries of financial reporting and how to extend them." **Journal of Accounting Research**, 37: 353-385.
- 24- Lubberink, M. J. P. (2000). "Financial Statement Information: The Impact of Investors and Managers." **Groningen**.
- 25- Paton, W. A. and A. C. Littleton (1940). "An introduction to corporate accounting standards." **American Accounting Association**, Sarasota: Florida.
- 26- Prakash, Rachna, Sinha, Nishi (2009). "Deferred Revenues and the Matching of Revenues and Expenses." **Mason School of Business College of William and Mary**.
- 27- Schutt, Harm (2011). "The Matching Principle: Insights into Earning's Usefulness to Investors." **Haas School of Business University of California at Berkeley**.
- 28- Scott W.R (2009). "Financial Accounting Theory." 5 Th ed.
- 29- Su, S. Y. (2005). "To match or not to match". **The British Accounting Review**, 37: 1-21.
- 30- Takur, D. **Assessing Quality of Financial Reporting**, Accounting Horizons, Vol. 14, No. 3, September 2000, PP 353-363.
- 31- Tucker, J. W. (2015). The relation between disclosure quality and reporting quality: A discussion of Cassell, Myers, and Seidel, **Accounting, Organizations and Society**, 46; 39-43.
- 32- Wolk, Harry I; James L. Dodd; John J. Roz (2008) "Accounting Theory, 7 th ed"